

منبر مکتوب ویژه ایام انتخابات

مهم ترین ویژگی عصر ظهور

انتخابات؛ مسئولیت پذیری اجتماعی؛ ظهور

بیت‌الله الحکیم

منبر مکتوب: مهم‌ترین ویژگی ظهور
کاری از: مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمة
سال انتشار: زمستان ۱۴۰۲
ویژه انتخابات



مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمة



برای عضویت در کانال «حوزه و تبلیغ» اسکن کنید

فهرست

- ۶ چرا به عصر ظهور فکر نمی‌کنیم؟
- ۷ مسئولیت‌پذیری مردم؛ مهم‌ترین ویژگی عصر ظهور
- ۸ غربت امام عاقبت عدم مسئولیت‌پذیری مردم
- ۹ مفهوم مسئولیت‌پذیری مهم‌تر از مفهوم اطاعت
- ۹ مراحل مسئولیت‌پذیری
- ۱۰ سن تکلیف یعنی از این به بعد مسئولیت‌کارها با خودت است
- ۱۱ بسیاری از مقدرات الهی به خاطر عملکرد خود ما است
- ۱۱ امام باقر(ع): پذیرش مسئولیت یک خانواده، بالاتر از هفتاد حج است
- ۱۲ تمرین «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» در مدرسه
- ۱۳ آدم یعنی مسئولیت‌پذیر
- ۱۴ عدم مسئولیت‌پذیری سیاسی؛ مشکل مردم مدینه
- ۱۵ نقص فرهنگی ما در مسئولیت‌پذیری
- ۱۵ ساختارها و مناسبات اجتماعی مانع رشد مسئولیت‌پذیری اجتماعی
- ۱۷ دو مفهوم کلیدی قرآن دربارهٔ احساس مسئولیت
- ۱۸ بالاترین امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۹ مؤمن نسبت به دیگران مثل مادر دلسوز است
- ۱۹ رهبری: مردمی که حاضر نیستند...
- ۲۰ «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ مفهوم قرآنی دیگری که به مسئولیت‌پذیری اشاره دارد
- ۲۱ انتخابات کمترین عرصه مسئولیت‌پذیری اجتماعی
- ۲۲ رابطه انتخابات با ظهور
- ۲۲ معنای دقیق یابن الحسن بیا!

«مهم‌ترین ویژگی عصر ظهور»

«انتخابات؛ مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ ظهور»

« چرا به عصر ظهور فکر نمی‌کنیم؟ »

یکی از وجوه غربت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است بسیاری از افراد جامعه حتی اندیشمندان ما هنوز موضوع ظهور را جدی نگرفته‌اند. منظور ما فقط زمانِ ظهور نیست، بلکه اصل ظهور را جدی نگرفته‌اند. اینکه یک روزی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد آمد و حکومت خواهد کرد. این را جدی نگرفته‌اند.

یکی از موضوعاتی که به نظر می‌رسد باید درباره آن خیلی بیندیشیم این است که عصر ظهور، چه اتفاقی قرار است بیفتد. آیا ما می‌توانیم از عصر ظهور الگو برداری کنیم و مشکلات امروز جامعه خودمان را حل کنیم و حتی یک گام به سوی ظهور برداریم؟

آیه الله بهجت رحمته الله علیه می‌فرمودند: «ای کاش می‌نشستیم و درباره اینکه حضرت غائب چه وقت ظهور می‌کند با هم گفتگو می‌کردیم تا لااقل از منتظرین فرج باشیم!» (درمحضر بهجت، ج ۲/ص ۱۸۸) حتی ما این را هم



نمی گویم، می گوییم برویم درباره عصر ظهور فقط فکر کنیم. همین.
عصر ظهور اساساً چه عصری است؟ آیا می توانیم ماکتی از عصر ظهور
بسازیم؟ یک کوچه شبیه کوچه های بنی هاشم در جمکران منتها کوچه
های قدرتمندی بنی هاشم با نگاه به عصر ظهور بسازیم؟
چرا به عصر ظهور فکر نمی کنیم؟ رسانه ما چقدر می تواند در این
زمینه نقش آفرین باشند. مگر هالیود چیکار می کند؟ چرا هالیود مخاطب
خودش را به آینده می برد و اتفاقاتی که قرار هست در آینده رخ بدهد؛
فرضیه سازی می کند؟ چرا ما نمی توانیم واقعیت سازی کنیم؟ از واقعیتی
که در آینده پیش رو داریم یک تصویر ارائه دهیم؟ عصر ظهور چه عصری
است؟

« مسئولیت پذیری مردم؛ مهم ترین ویژگی عصر ظهور »

مهم ترین ویژگی عصر ظهور، این است که عصر ظهور، عصر
مسئولیت پذیری مردم است. بعضی ها فکر می کنند در عصر ظهور همه
مسئولیت ها به عهده امام است و ایشان فرمان می دهد و دیگران اطاعت
می کنند.

مسئولیت امام مشخص است، فرمان هم می دهد، اطاعت هم لازم
است؛ ولی هیچ وقت کار جامعه ولایی با یک رکن پیش نمی رود. یک
رکن اش امام است و مسئولیتی که او دارد، رکن دیگرش مردم هستند و
مسئولیتی که مردم دارند. ما خوب است قبل از کلمه «اطاعت» بگوییم
«مسئولیت و مسئولیت پذیری». امام به چه کسانی دستور می دهد؟
به آدم هایی که مسئولیت پذیر باشند. مهم ترین دستور امام چیست؟
مسئولیت پذیری. چه کسانی می توانند اطاعت از امام را خوب انجام
بدهند؟ آدم هایی که مسئولیت پذیر هستند.

« غربت امام عاقبت عدم مسئولیت پذیری مردم

اگر من و شما مسئولیت پذیر نباشیم چه اتفاقی می افتد؟ وقتی امام بیاید، تنها می ماند. امام نمی آید جای مسئولیت من، کاری را انجام بدهد. این نکته خیلی حساسی است. اگر بنا باشد فقط یک نفر با دو تا عنصر و مفهوم «فرمان» و «اطاعت» کار را پیش ببرد، زیاد نیاز به مسئولیت پذیری ندارد؛ با فرمان از مردم کار می کشد و برای اطاعت، اجبار می کند و خودش کار را پیش می برد. سلاطین همین طور بودند. سلاطین و همین رؤسای جمهورها در همه عالم نیاز ندارند به اینکه مردم مسئولیت پذیر باشند. با شلاق هایی که به گرده مردم می زنند، با سیاست ورزی هایی که انجام می دهند، مردم را فریب می دهند و مثل گله، مردم را هدایت می کنند؛ با قوانین شان، با آن بروکراسی، همه را وادار به کارهایی می کنند که دل شان می خواهد. البته به صورت اکثریت، نمی خواهم بگویم به صورت مطلق. برای اینکه این قصه یک کمی روشن بشود و برداشت اشتباه مان را درست بکنیم، یک مثال بزنم؛ شبیه اینکه پدر و مادر بچه را به مدرسه تحویل بدهند و مسئولیت درس خواندن بچه را به عهده معلم بیندازند و بگویند «ما از شما می خواهیم این بچه درس بخواند» چرا از ما می خواهید؟ این خودش ماشاءالله برای خودش یک آدمی است. وقتی پدر و مادر و مدرسه حس مسئولیت پذیری را در دانش آموز رشد ندهد و مسئولیت درس خواندن را به عهده خود دانش آموز نگذارند، دانش آموز یا درس خوان نمی شود، یا اگر درس خوان هم بشود به درد زندگی و جامعه نخواهد خورد.



« مفهوم مسئولیت پذیری مهم تر از مفهوم اطاعت

برای ما که منتظر ظهور هستیم خیلی فرق می کند که همه مسئولیت ها را گردن حضرت بیندازیم یا اینکه بخواهیم در حکومت حضرت مسئولیت پذیر باشیم. اگر می خواهیم در حکومت حضرت، مسئولیت پذیر باشیم، خیلی از مسئولیت های مان همین الآن روشن است، خب همین ها را بپذیریم. عصر ظهور عصر مسئولیت پذیری است.

باید مفهوم مسئولیت پذیری را برجسته تر از مفهوم اطاعت کرد. چون برداشت مردم از اطاعت، غلط است. برداشت مردم از اطاعت این است که ایشان صفر تا صد را دستور می دهند. نه؛ این طور نیست. پیامبر گرامی اسلام ﷺ هم صفر تا صد امور را دستور نمی دادند، بلکه با تعامل و مسئولیت پذیری مردم کار را پیش می بردند و حتی اگر کار متوقف یا خراب می شد هم می پذیرفتند؛ تا مردم با مسئولیت خودشان کار را جلو بیاورند. این بُعد مسئولیت پذیری در رابطه امت و امام، در فضای دین داری، بُعد بسیار کم رنگی است. این را باید درست کنیم.

« مراحل مسئولیت پذیری

مرحله اول، مسئولیت پذیری فردی است. یکی از حرف های کلیدی قرآن کریم از اول تا آخر این است که مسئولیت رفتارهای تو با خودت است. حتی به پیغمبرش می فرماید تو در قبال رفتار آنها مسئول نیستی، به این معنا که از تو سؤال نکنیم آنها چرا این طوری رفتار کردند؛ درباره عمل آنها از خودشان سؤال می کنیم تو نگران نباش. هر کسی خودش عواقب کارهای خودش را می بیند «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله/ ۷ و ۸). ما وقتی قرآن را نگاه می کنیم، اصلاً

برخورد دین با افراد بحث محاسبه نفس است، بحث حساب و کتاب روز قیامت است. آنجا به تو می گویند مسئول این کارها تو بودی. اگر حس مسئولیت پذیری فردی برای کسی جا نیفتد، چه می شود؟ تا برایش یک مشکلی پیش بیاید، اول گنااهش را گردن دیگران می اندازد. دنبال مقصّر یا دنبال منجی می گردد، یا خودش را همیشه مظلوم می بیند. اینها در روان شناسی، اسم دارد و من نمی خواهم وارد این بحث ها بشوم. انسان ها باید از این تله ها بگذرند.

« سنّ تکلیف یعنی از این به بعد مسئولیت کارها با خودت است »

مثلاً سنّ تکلیف یعنی چه؟ یعنی از این به بعد مسئولیت کارهایت، دست خودت است. این اشتباه است که در مدرسه، هم قبل از سنّ تکلیف و هم بعد از سنّ تکلیف به بچه ها می گوئیم «دانش آموز» چون این فرد، از نظر روانی احساس می کند هنوز چیزی تغییر نکرده است و هنوز دیگران باید من را اداره کنند.

وقتی دانش آموز سر کلاس می بیند مسئولیت نظم کلاس به عهده معلم است، شلوغ می کند. وقتی می بیند مسئولیت حضور و غیاب به عهده معلم است، زیرآبی می رود. اصلاً همه چیز به هم می ریزد. شغل کارمندی ترجیحاً خوب نیست. من نمی خواهم به کارمندان شریف که احساس مسئولیت می کنند بی احترامی کنم، ولی در شغل کارمندی می گویند «شما مسئول نیستی، او مسئول است، او باید بدود. شما کار خودت را انجام بده!» خود به خود آدم به سمت «از زیر کار در رفتن» سوق داده می شود.

« بسیاری از مقدرات الهی به خاطر عملکرد خود ما است »

مسئولیت کار خودت را خودت به عهده بگیر. مسئولیت پذیری فردی خیلی مهم است. شاید لازم باشد شما یک ماه رمضان درباره بلوغ انسان ها و اصول تربیتی ای که باید رعایت بشود تا این مسئولیت پذیری اتفاق بیفتد برنامه بگذارید برای اینکه مسئولیت کار خودشان را- حتی پیش از آمدن مقدرات الهی- خودشان به عهده بگیرند. چون بسیاری از مقدرات الهی به خاطر عملکرد خود ما است. به همین دلیل هر سال خدا می ایستد ببیند ما چه کار کردیم تا مقدرات سال بعد را تنظیم بکند.

خود خدا می تواند مقدرات ما را از اول تا آخر تنظیم بکند ولی بناست مقدرات، عکس العمل رفتارهای ما باشد. البته روز قیامت پرده ها را کنار می زنند و به آدم حالی می کنند که مسئول همه این اتفاقات خود تو بودی.

« امام باقر علیه السلام: پذیرش مسئولیت یک خانواده، بالاتر از هفتاد حج است »

مسئولیت پذیری فردی با مسئولیت پذیری جمعی و خانوادگی همراه هستند. قبلاً عرض کردم الان دارند مسئولیت پذیری خانوادگی را ضعیف می کنند. مثال بزنم. امام باقر علیه السلام فرمودند ارزش حج برایم بالاتر از این است که هفتاد غلام را بخرم و در راه خدا آزاد کنم. (همان طور که می دانید آزاد کردن غلام در راه خدا خیلی مهم است، چون نجات زندگی یک انسان است)

بعد می فرماید ولی ارزش سرپرستی یک خانواده برایم بالاتر از هفتاد حج است. (ثواب الأعمال، شیخ صدوق/ص ۱۴۱) این یعنی همان مسئولیت پذیری خانوادگی.



« تمرین «مسئولیت پذیری اجتماعی» در مدرسه

بعد از مسئولیت پذیری خانوادگی وارد مسئولیت پذیری اجتماعی می شویم. بچه ها باید مسئولیت پذیری اجتماعی را در مدرسه تمرین کنند. در یک مدرسه ای، به بچه ها گفتیم که بازی های تان را خودتان باید تعیین کنید. بچه ها کارگروه دارند و خودشان برای بازی تصمیم می گیرند. از این اوضاع شش ماه نمی گذرد که پدر و مادرهای این بچه ها گفتند که الان همه چیز عوض شد و انگار یک تحول رخ داده است. حالا به سراغ کلمه دولت کریمه برویم. بچه ای که پدر و مادرش او را زیاد تحقیر کرده باشند، زیاد ترسانده باشند، گرامی نداشته باشند، مسئولیت پذیری اش در مدرسه در یک چنین فضایی ضعیف است؛ از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کند. بچه ای که پدر و مادر به او احترام گذاشته باشند مسئولیت پذیری اش بالاست.

ما با یک دبستان، همفکری داریم، از همان دوران دبستان بنا شد بچه ها مسئولیت پذیر باشند و در مدرسه همین را تمرین کنند. کسی که مسئولیت پذیر بشود برای اینکه مسئولیت هایش را انجام بدهد خودش شب ها کتاب ها را باز می کند و می خواند یا از طریق اینترنت مطالعه می کند و سواد یاد می گیرد. سواد در مقابل آدمیت چیز زیاد مهمی نیست که پدر و مادر از مدرسه، صرفاً انتظار دارند که بچه آنها نمره خوب بگیرد. مسئولیت پای خود بچه است. چرا شما در خانه به عنوان بچه با او برخورد می کنید؟ پدر و مادر خوب در خانه مسئولیت پذیری را یاد می دهند.

مدرسه محل تمرین مسئولیت پذیری است. «چرا معلم یا معاون آموزشی مدرسه باید مسئول حضور و غیاب باشد؟» در مدرسه به جای حضور و غیاب مسئولین مدرسه، حضور و غیاب را به عهده خود بچه ها



بگذاریم. به آنها بگوییم اگر کسی غایب شد شما خودتان مسئول هستید زنگ بزنید و پیگیری کنید و ببینید برای رفیق شما چه مشکلی پیش آمده و چرا نیامده است؟

« آدم یعنی مسئولیت پذیر

ما آدم هستیم و آدم یعنی مسئولیت پذیر. اگر مسئولیت پذیری را از انسان برداری با بزه و برده چه فرقی خواهد کرد؟ اختیار هم دیگر به درد نمی خورد. آدم هایی که مسئولیت پذیر نیستند کارشان به بردگی کشیده می شود. دولت کریمه یعنی کرامتی که برای مردم قائل است با مسئولیتی که روی دوش مردم هست، ارتباط دارد.

جهنمیان در قیامت به خدا می گویند: خدایا! اگر تو می خواستی ما را هدایت می کردی (أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ زمر/۵۷) وَ قَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ؛ نحل/۳۵) یعنی خطای خود را به گردن خدا می اندازند. خدا در قرآن بارها می فرماید چرا گردن من می اندازید؟ مسئولیت پای شما است «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (اسراء/۷)

آدم هایی که مسئولیت پذیر نیستند یک حرف دیگر هم می زنند: می گویند خدایا! کسانی که ما را گمراه کردند، یعنی این مستکبرها، زورگوها و ظالم ها را دوبرابر عذاب کن؛ خدا می فرماید هر دوتای تان را دوبرابر عذاب می کنم «رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف/۳۸). یعنی کسانی که در مقابل ظالم ها و مستکبرها مقهور بودند، اینها هم دوبرابر عذاب می شوند. چرا دوبرابر؟ چون تو به او قدرت دادی. چرا الان مسئولیت را نمی پذیری و به گردن او می اندازی؟ مسئولیت اجتماعی یعنی اینکه «من مسئول هستم».



« عدم مسئولیت پذیری سیاسی؛ مشکل مردم مدینه

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می خواستند مردم را رشد بدهند تا به اوج مکارم اخلاق و دین داری برسند. مردم در چه زمینه ای رشد نکردند؟ آنها یک مقدار مسئولیت پذیری اجتماعی داشتند، ولی مسئولیت پذیری سیاسی نداشتند. مسئولیت پذیری سیاسی یعنی برای انسان مهم باشد که قدرت دست چه کسی می افتد. کسی که مسئولیت پذیری سیاسی ندارد می گوید «من که مستقیم درگیر نیستم حالا فعلاً نشسته ام و زندگی می کنم» یا می گوید «سری که درد نمی کند چرا دستمال ببندم؟!»

روضه هایی که ما برای آنها گریه می کنیم - از فاطمیه تا زمان امام حسین علیه السلام - ناشی از یک ضعف عمده است؛ ناشی از منافقان و دشمنان و قاتلان و... نیست. آنها کار خودشان را انجام دادند. مثلاً شما از شمر و یزید، جز همین جنایت ها چه انتظاری دارید؟ از قنفذ چه انتظاری جز این دارید؟ این قبیل افراد در هر جامعه ای هم هستند، در جامعه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم این تیپ آدم ها هستند. این طوری نیست که نباشند. این طوری نیست که حق منتظر باشد تا اول همه ظالم ها بمیرند بعد بیاید! آن چیزی که موجب این همه مصیبت شد، مسئولیت ناپذیری سیاسی مردم است.

حضرت زهرا علیها السلام با آن فردی که فدک را گرفته بود صحبت کرد ولی به نتیجه نرسید. آن فرد که فدک را گرفته بود گفت اگر این مردم بگویند فدک را بده، من هم می دهم. حضرت زهرا علیها السلام مردم را صدا زد، ولی مردم سرشان را پایین انداختند، گریه می کردند، یعنی حضرت زهرا علیها السلام را دوست داشتند، اما احساس مسئولیت سیاسی نداشتند. همین الان حتی خیلی از ما طلبه ها هم احساس مسئولیت سیاسی نداریم. به



همین دلیل حرکتی نمی‌کنیم که آبروی مان مخدوش بشود.

« نقص فرهنگی ما در مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری در مرحله فردی در فرهنگ ما دچار نقص است، ما در فرهنگ مان دانش آموزش‌های مان را نوعاً مسئولیت‌پذیر بار نمی‌آوریم. برای همین دین‌داری ضعیف است. مسئولیت‌پذیری به عنوان امر خانوادگی هم ضعیف است؛ برای همین آمار طلاق بالا و آمار ازدواج و آمار بچه‌داری کم است. در جامعه ما مسئولیت‌پذیری به عنوان امر اجتماعی هم ضعیف است. جز دو سه تا مانور خوبی که در مواسات و فعالیت‌هایی از این قبیل صورت گرفت، ما در این زمینه‌ها نقص‌های فراوان داریم.

« ساختارها و مناسبات اجتماعی مانع رشد مسئولیت‌پذیری اجتماعی

یکی از دلایل این نقص‌های فراوان در زمینه مسئولیت‌پذیری چیست؟ این است که ما جامعه پرقانونی داریم. متأسفانه کشور ما یکی از پرکارترین مجالس قانونگذاری را در جهان دارد؛ این غلط است. یعنی ساختارهای اجتماعی ما و به قول جامعه‌شناس‌ها « مناسبات اجتماعی ما » جواب نمی‌دهد لذا مدام باید قانون بگذارید، دوباره نمی‌شود و یک قانون دیگر برای کنترل آن می‌گذارید و... دائم نظارت و کنترل می‌کنید و همین‌طور دولت را بزرگتر می‌کنید. امور را به عهده خود مردم بگذاریم.

حالا بعضی‌ها که یک چیزی خوانده‌اند به نام «نئولیبرال» و می‌گویند که فلانی دولت را حذف کرد یا به سمت حذف کردن دولت رفت. در این زمینه‌ها می‌شود از امام رحمته‌الله علیه خاطراتی را بیان کرد تا معلوم شود نظر ایشان چیست.



دولت نقش خودش را باید درست ایفا کند. الآن دولت ها نوعاً هم نقش خودشان را درست ایفا نمی کنند، هم برای آن جایی که مردم می خواهند نقش خودشان را درست ایفا کنند مشکل درست می کنند. از یک کارخانه دار بپرس، از یک دانشجو که می خواهد صنایع دانش بنیان راه بیندازد بپرس، چه موانعی سر راهش می گذرند، پدرش را درمی آورند. از نظر اجتماعی و سیاسی، مسئولیت پذیری در فرهنگ ما به شدت ضعیف است/ ما مسئولیت پذیری سیاسی را از ارزش های دینی حذف کرده ایم

از نظر اجتماعی مسئولیت پذیری در فرهنگ ما به شدت ضعیف است. از نظر سیاسی هم، مسئولیت پذیری در جامعه ما به شدت ضعیف است. چرا؟ چون مهم ترین توصیه دینی که در برنامه های تلویزیون نوعاً ما طلبه ها می گوئیم، احساس مسئولیت سیاسی نیست؛ چیزهای دیگری می گوئیم، تذکرات دیگری می دهیم.

در زمان امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام چه چیزهایی برجسته بود؟ مثلاً یک عده ای از مردم، نماز را غلط می خوانند. حضرت فرمودند این نماز طبق احکام شرعی زمان پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غلط است. مردم اعتراض کردند. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام هم آنها را رها کرد چون کارهای مهم تر داشت (... فَقَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قُلْ لَهُمْ صَلُّوا، تهذیب الأحكام/ ۳/ ۷۰) سراغ معاویه رفت و حاضر نشد یک روز هم معاویه را تحمل کند. بعضی افراد به آن حضرت پیشنهاد کردند تا استقرار و تثبیت حکومت، معاویه را بر ولایت شام ابقاء کند ولی امیرالمؤمنین این پیشنهادها را نپذیرفت. آن حضرت نماز غلط را تحمل کرد ولی معاویه را تحمل نکرد. (فَقَالَ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّ مُعَاوِيَةَ مَنْ قَدْ عَرَفْتَ وَقَدْ وَلَّاهُ الشَّامَ مَنْ قَدْ كَانَ قَبْلَكَ، فَوَلَّاهُ أَنْتَ كَيْمَا تَتَسَقَّ عُرَى



الْأُمُورُ ثُمَّ اعْزَلَهُ إِنَّ بَدَأَ لَكَ. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَضَمَّنُ لِي عُمْرِي يَا مُغِيرَةُ فِيمَا بَيْنَ تَوَلِّيَّتِهِ إِلَى خَلْعِهِ قَالَ: لَا. قَالَ: لَا يَسْأَلُنِي اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) عَنْ تَوَلِّيَّتِهِ عَلَى رَجُلَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ لَيْلَةً سَوْدَاءَ أَبَدًا: امالی، شیخ طوسی/ص ۸۷)

الآن مردم از ما طلبه ها و آخوندها انتظار دارند اول نماز را درست کنیم، نه اینکه سراغ سیاست برویم. درحالی که اگر مردم در اداره محلشان مشکلی دیدند باید بروند آخوند مسجد آنجا را پیدا کنند و بگویند «اینجا از من رشوه خواستند، شما اینجا برای چه نماز می خوانی؟» آن وقت اگر این روحانی هم رفت اعتراض کرد باید حرفش مسموع باشد. یعنی وقتی یک روحانی این مسئله را بیان می کند مسئولان بررسی کنند. مردم از روحانی انتظار دارند حمد و سوره شان را درست کند. اگر یک نفر به روحانی بگوید در فلان اداره از من رشوه خواستند، مردم به او می گویند به این روحانی چه کار داری؟ آن روحانی هم می گوید ما اینجا نماز می خوانیم، تقصیر ما چیست؟ ما هم مثل شما هستیم. این خیلی بد است. ما از نظر ارزش های دینی هم این قصه را حذف کرده ایم.

« دو مفهوم کلیدی قرآن درباره احساس مسئولیت

در احساس مسئولیت اجتماعی و به ویژه سیاسی، امر به معروف و نهی از منکر خیلی مهم است. دو مفهوم کلیدی در قرآن کریم هست که به این احساس مسئولیت اشاره می کند. یکی اینکه مؤمنون اولیاء یکدیگرند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه، ۷۱) یعنی مومنان امور همدیگر را به عهده دارند که آن عهده داری آنها را با هم منسجم و در هم ادغام می کند. مفهوم دوم امر به معروف و نهی از منکر است. اسم فعالیت مسئولانه را در قرآن امر به معروف و نهی از منکر گذاشته است.



ببینید جهاد در راه خدا چقدر اهمیت دارد؟ جهاد باغی است که گلش شهادت است. «فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِحَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ» (نهج البلاغه، صبحی صالح/ ص ۶۹) امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید جهاد دری از درهای بهشت است که خدا برای خاصان از اولیاء خودش باز می کند. بسیاری از اولیاء خدا هم توفیق جهاد پیدا نکرده اند.

« بالاترین امر به معروف و نهی از منکر

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام دیگری می فرماید «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَثَةٌ فِي بَحْرِ لُجِّي» (نهج البلاغه، صبحی صالح/ ص ۵۴۲) تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در مقابل امر به معروف و نهی از منکر مانند یک قطره آب دهان در مقابل دریایی عمیق است. در واقع ارزش جهاد در مقابل ارزش امر به معروف و نهی از منکر نزدیک به صفر است. آیا ما این روایت را باور می کنیم؟

در ادامه می فرماید: «أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةٌ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ» بالاترین امر به معروف و نهی از منکر این است که در برابر یک حاکم ظالم از عدالت حرف بزنی و او را به عدالت امر کنی، یعنی اینکه جلوی یک مدیر فاسد بایستی، یعنی یک امر کاملاً سیاسی. این بالاترین نمونه از برترین عمل یک اقدام سیاسی است. امر به معروف و نهی از منکر فعالیتی است که مسئولیت اجتماعی ما را نشان می دهد. اگر مسئولیت پذیری در جامعه جا نیفتد، امر به معروف و نهی از منکر فضولی و مزاحمت تلقی می شود و نمی شود از آن حرف زد. ما باید اول مسئله مسئولیت پذیری را حل کنیم. چون جامعه ما در این باره بسیار ضعیف است.



« مؤمن نسبت به دیگران مثل مادر دلسوز است

یک مفهوم دیگر هم هست به نام نصیحت. از رسول خدا ﷺ نقل است که فرمود: دین همان نصیحت است «الدِّينُ النَّصِيحَةُ» (دعائم الاسلام/ج ۲/ص ۴۷). نصیحت یعنی خیرخواهی و دلسوزی. در امر به معروف و نهی از منکر ممکن است من از موضع بالا دیگران را ببینم و بد برخورد بکنم ولی نصیحت این طور نیست. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «الْمُؤْمِنُ غَرِيظَتُهُ النَّصْحُ» (تصنیف غررالحکم/ص ۲۵۵) کسی مؤمن بشود غریزه اش دلسوزی است، اصلاً نمی تواند دلسوزی نکند، برای بقیه مثل مادر می شود. مادر نمی تواند ببیند بچه اش دارد به سمت آبجوش می رود و او ساکت بنشیند و نگاه کند.

« رهبری: مردمی که حاضر نیستند...»

مقام معظم رهبری ذیل آیه ۶۲ سوره توبه می فرماید: «در اجتماعی که بر اساس مسئولیت پذیری گردش می کند و در رأس اجتماع حاکمی الهی قرار گرفته است مردم سست عنصر زندگی راحتی ندارند.» سست عنصر نمی توانند در آن جامعه راحت باشند. چرا مردم از حکومت امیرالمؤمنین خوش شان نمی آمد ولی از حکومت معاویه خوش شان می آمد؟ حضرت می فرمود من به شما پول هم می دهم ولی نمی آید، اما معاویه پول نمی دهد آنها می آیند و کمکش می کنند. (أَوْ لَيْسَ عَجَبًا أَنَّ مُعَاوِيَةَ يَدْعُو الْجُفَاةَ الطَّغَامَ فَيَتَّبِعُونَهُ عَلَى غَيْرِ مَعُونَةٍ وَلَا عَطَاءٍ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ وَأَنْتُمْ تَرِيكُهُ الْإِسْلَامِ وَبَقِيَّةُ النَّاسِ إِلَى الْمَعُونَةِ أَوْ طَائِفَةٍ مِنَ الْعَطَاءِ فَتَمَرَّقُونَ عَنِّي وَتَحْتَلِفُونَ عَلَيَّ؛ نهج البلاغه/ خطبه ۱۸۰)

در ادامه تفسیر آیه ۶۲ سوره توبه می فرماید: «مردمی که حاضر نیستند مسئولیت قبول کنند، شرافت و سربلندی نخواهند داشت... در چنین فضایی سربلندی از آن کسی است که بیشتر کار می کند، بیشتر تحمّل مسئولیت می نماید. اما آن آدم های کم حال و سست عنصر که شانه از زیر بار مسئولیت خالی کرده بودند در چنین جامعه ای امکان حیات و ادامه زندگی برای شان نیست و اگر هم زندگی کنند و بتوانند ادامه بدهند همه مردم به آنها با بدبینی نگاه خواهند کرد و آنها را به عنوان مسلمان واقعی نمی شناسند.»

«رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ»؛ مفهوم قرآنی دیگری که به مسئولیت پذیری اشاره دارد

مسئله مسئولیت پذیری را خیلی باید جدی گرفت. آیات و روایات زیادی در این باره هست که در این فرصت اندک، فقط به بعضی از آنها اکتفا می کنم. قرآن می فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه، ۷۱)؛ آن دو تا مفهوم مهمی که گفتیم به احساس مسئولیت اشاره می کند اینجا در کنار همدیگر آمده است؛ یکی امر به معروف و نهی از منکر است و دیگر اینکه مؤمنون اولیاء یکدیگرند یعنی عهده دار امور همدیگرند.

یک مفهوم دیگر هم در قرآن هست که آن هم اشاره به مسئولیت پذیری دارد: «رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹) امام صادق علیه السلام می فرماید: «يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِي التَّوَاضُّلِ وَالتَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ وَالْمُؤَاسَاةِ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَتَعَاطُفٍ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: رُحَمَاءَ بَيْنَكُمْ» (کافی/ج ۲/ص ۱۷۴) واجب است بر مسلمانان که تلاش کنند در داشتن ارتباط با همدیگر و در تعاون در محبت کردن



به همدیگر، خودشان را به اهل حاجت نزدیک کنند و مشکلاتشان را برطرف کنند و به همدیگر مهربانی داشته باشند. تا همان طور که خداوند به شما دستور داده است «رُحَمَاءَ بَيْنَكُمْ» باشید.

« انتخابات کمترین عرصه مسئولیت پذیری اجتماعی

ما موقع انتخابات خیلی گلریزان و گل افشان می‌کنیم و می‌گوییم «ای مردم، همه بیایید احساس مسئولیت بکنید...» این مدل زندگی غربی است. سر انتخابات مردم را می‌آورند و بعدش می‌گویند برو در خانه‌ات بنشین به چیز دیگر کار نداشته باش. انتخاب کردی دیگر حرف نزن. بگذار بقیه‌اش دست اینها باشد. درحالی که ما باید بیست و چهار ساعته حس انتخاباتی (به معنای مسئولیت‌پذیری) داشته باشیم. در دوران انتخابات ستاد تشکیل می‌شود، بعضی از مردم- و نه همه آنها - یک بخشی از زندگی‌شان را در ستادها می‌گذرانند؛ مثلاً مغازه را به ستاد تبدیل می‌کند، چند تا پلاکارد می‌زند، رفت و آمدی می‌شود، هزینه‌هایی می‌کنند. مردم به قصد خدا، به قصد خلق یا به قصد منافع خودشان، بالاخره احساس مسئولیت می‌کنند و به میدان می‌آیند. منتها این حالت هیجان و مردمی بودن باید همیشگی باشد نه فقط در مقطع انتخابات.

الآن هر کدام از من و شما مسئولیت‌های اجتماعی‌مان را در طی هفته قبل در کدام مسجد، در کدام پارک، در کدام مجموعه، انجام داده‌ایم؟ انگار تک‌تک ما عضو یک حزب باشیم که این حزب‌مان جلسه دارد. مثلاً یکی از پیشنهادهای فلان مواد قانونی را می‌خواهند جمع‌بندی کنند و من باید در جلسه حضور داشته باشم. خود شهید صدر در عراق حزبی به نام «الدعوه» راه انداخت. صدام حزب کمونیستی بعث را راه انداخته بود و مردم را وادار می‌کرد در آن عضو بشوند. شهید صدر هم فتوا داد

عضویت در حزب صدام حرام است. شهادت ایشان سه تا دلیل داشت. یکی اینکه چرا حزب بعث را حرام کردی؟ دیگر اینکه چرا حزب الدعوه را راه انداختی؟ و باید آن را منحل کنی. و اینکه چرا از ایران دفاع می کنی؟ به ایشان گفتند لااقل از یکی از اینها کوتاه بیا، ولی او کوتاه نیامد و به شهادت رسید.

« رابطه انتخابات با ظهور

البته مشارکت در انتخابات درست است این حداقل ماجرای مسئولیت پذیری اجتماعی است اما گاهی اوقات بعضی ها از این حداقل مسئولیت پذیری اجتماعی شانه خالی می کنند، مشارکت در انتخابات عقلا یک مسئولیت مهم اجتماعی است. و ما حق نداریم درباره مسئولیت های اجتماعی بی تفاوت باشیم. به همین دلیل واجب شرعی است. اساسا مهمترین احکام دین درباره مسئولیت های اجتماعی است. دین چیزی جز عقلانیت نیست و احکام دین تنها راهنما، پشتیبان و شکوفا کننده عقل است.

انتخابات با ظهور چه ربطی دارد؟ یکی از رابطه های اساسی اش همین هست که عرض کردیم، عصر ظهور عصر مسئولیت پذیری اجتماعی است. انتخابات خودش یکی از بسترهای پذیرش مسئولیت اجتماعی و بلکه مسئولیت سیاسی نسبت به جامعه است. جامعه که نسبت به مسئولیت های اجتماعی خودش کوتاهی می کند، آیا می تواند امیدوار باشد که به عصر ظهور که اوج مسئولیت پذیری اجتماعی است برسد؟!

« معنای دقیق یابن الحسن بیا!

دوران ظهور، دوران طلایی مسئولیت پذیری اجتماعی است. زمان تحقق



این حدیث است که فرمود: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (جامع الاخبار، ص ۱۱۹) یعنی «مسئولیت، مخصوص یک فرد و یک جمع نیست. بار بر دوش همه است. امیدوارم که بتوانیم در دوران غیبت، با تمرین مسئولیت پذیری اجتماعی در همه عرصه های زندگی فردی اجتماعی و سیاسی بتوانیم قدری زندگی در عصر ظهور را تجربه کنیم. اگر می گوئیم یابن الحسن بیا آقا دقیقاً آقا بیاید چنین توقعی از ما دارند. یکی از اصحاب نزدیک امام صادق علیه السلام به نام مفضل می گوید: روزی نزد امام صادق علیه السلام بودم، حضرت به من نگاهی کردند و فرمودند: «چرا غمگین هستی؟» گفتم: «کاش به جای بنی عباس، شما رئیس بودی و حکومت و قدرت در اختیار شما بود. (یعنی کاش شما همان امامی بودی که بر جهان حاکم می شد.) آن وقت ما هم در کنار شما بودیم و از نعمت حکومت شما بهره مند می شدیم.» حضرت فرمودند: «این چه سخنی است؟! اگر قدرت در دست من بود و من آن امامی بودم که تو می گویی، شبها باید پی من می نشستی و برنامه ریزی می کردیم برای خدمت به مردم، و روزها هم باید به وضع مردم رسیدگی می کردیم و مانند امیرالمؤمنین علیه السلام غذای ناگوار و لباس خشن می پوشیدیم. و در غیر این صورت آتش (در انتظارمان) بود. الان که قدرت و حکومت دست ما نیست، استراحت می کنی و در نعمت هستی.»

عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ: قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ ع يَوْمًا جُعِلْتُ فِدَاكَ ذَكَرْتُ آلَ فُلَانٍ وَ مَا هُمْ فِيهِ مِنْ النِّعَمِ فَقُلْتُ لَوْ كَانَ هَذَا إِلَيْكُمْ لَعِشْنَا مَعَكُمْ فَقَالَ هَيْهَاتَ يَا مُعَلَّى أَمَا وَاللَّهِ أَنْ لَوْ كَانَ ذَلِكَ مَا كَانَ إِلَّا سِيَاسَةَ اللَّيْلِ وَ سِيَاحَةَ النَّهَارِ وَ لُبْسَ الْخَشِنِ وَ أَكْلَ الْجَشِبِ فَرُويَ ذَلِكَ عَنَّا فَهَلْ رَأَيْتَ ظُلَامَةً قَطُّ صَيَّرَهَا اللَّهُ تَعَالَى نِعْمَةً إِلَّا هَذِهِ.» (کافی، ج ۱، ص ۴۱۰)

منبع:

[۷۲۵۲/http://panahian.ir/post](http://panahian.ir/post/۷۲۵۲)



